

اثربخشی آموزه‌های عدالت ترمیمی بر وضعیت بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی

| پونه طبیب‌زاده* | استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان، رفسنجان، ایران
چکیده

جبران خسارت‌های بزه‌دیدگان یکی از آثار اعمال فرایند عدالت ترمیمی در برخورد با جرایم ارتكابی است. این آثار موجب اعاده توانمندی بزه‌دیده جهت احیاء شأن انسانی و کرامت از دست رفته آن می‌شود، همچنین جبران خسارت‌ها می‌تواند آثار تخریبی جرم را بر روح و جسم وی کاهش دهد. در جوامع در حال گذار، دولت انتقالی با آمار گسترده بزه‌دیدگانی روبروست که طی درگیری‌های متعدد با سوابق تاریخی طولانی، خسارت‌های زیادی را متحمل شده است. این قشر از جوامع انتقالی تحت تاثیر نقض‌های وسیع حقوق بشری و بشردوستانه دوران درگیری دچار خسارت‌های متعدد جسمی و روحی شده‌اند. دولت انتقالی در تکاپوی ارضای خاطر بزه‌دیدگان با به‌کارگیری سازوکارهای قضایی و غیرقضایی به دنبال اصلاح و بازسازی جامعه انتقالی از طریق آشتی ملی است. به نظر می‌رسد اجرای فرایند عدالت ترمیمی با سازوکارهای غیررسمی و غیرقضایی از جمله به‌کارگیری کمیسیون تحقیق و آشتی یا سازوکار سنتی اجرای عدالت بتواند با حمایت‌های خاص نسبت به بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های مادی و معنوی آنان، پاسخ‌گوی انتظارات این قشر و انجام رسالت دولت انتقالی شود. از این رو در این مقاله سعی بر این است تا با بررسی آثار فرایند عدالت ترمیمی بر اصلاح اوضاع بزه‌دیدگان و جبران خسارت‌های آنان توأم با حفاظت و حمایت از این قشر، در مقابل خشونت‌های احتمالی آینده از طریق مشارکت آنان در فرایند عدالت، موجبات هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه انتقالی را فراهم کند.

واژگان کلیدی: جوامع انتقالی، عدالت ترمیمی، جبران خسارت، بزه‌دیدگی

مقدمه

جامعه انتقالی جامعه‌ای است که با پشت سر گذاشتن یک دوره درگیر؛ خشونت و ارتکاب جرایم شدید حقوق بشری، با اقدامات داخلی و بین‌المللی برای رسیدن به صلح و آرامش تلاش می‌کند؛ احیاء و بازسازی این جامعه آسیب‌دیده و تخریب‌شده زمان درگیری نیاز به همکاری و حمایت همه‌جانبه در زمینه‌های هنجاری و ساختاری متناسب با استانداردهای داخلی و بین‌المللی برای ایجاد یک حکومت دموکراسی براساس حاکمیت قانون و رعایت حقوق بشری و آزادی‌های بنیادین دارد.

برای رسیدن به این اهداف، راه‌کارهای انتخابی طبق رویه دولت‌های انتقالی براساس مقتضیات جامعه انتقالی و تدابیر پیشنهادی جامعه بین‌الملل به دولت انتقالی^۱، متفاوت است. در این نوشتار سازوکارهای متناسب به منظور پیاده‌سازی فرایند عدالت ترمیمی، براساس رویه‌های موجود و انتظارات جوامع انتقالی جهت بازسازی و احیای دوباره این کشورها، پیشنهاد شده است. زیرا عقیده بر این است که احیاء و بازسازی جامعه انتقالی براساس ترمیم و اصلاح صورت‌پذیر می‌باشد و اجرای عدالت ترمیمی با ماهیت خود که براساس ارزش‌های اخلاقی و کرامت انسانی استوار است، می‌تواند گذار جامعه انتقالی را از خشونت و درگیری به سمت صلح، سازش و التیام زخم‌های بزه‌دیدگان از طریق جبران خسارت وارده به آن‌ها را فراهم کند. کمتر از نیم قرن است که فرایند عدالت ترمیمی با کُنش‌گران اصلی خود که طرفین جرم هستند از جمله: بزه‌کار، بزه‌دیده و جامعه محلی به‌عنوان بزه‌دیده ثانوی، توانسته در سطح داخلی و بین‌المللی نقش‌آفرینی کند. در جوامع انتقالی نیز مشارکت بزه‌دیدگان جرایم بین‌المللی در تعیین سرنوشت خودشان از طریق توافق به‌منظور جبران خسارت وارده موجب بازگشت امنیت و اطمینان ملی خواهد شد؛ زیرا بزه‌دیدگان این جوامع با پشت سر گذاردن سال‌ها خشونت، احساس تنهایی؛ ترس و ناامنی نسبت به عملکرد دولت همواره آن‌ها را رنج داده است، در صورتی که آن‌ها پیش از این دوران از مردم و جامعه نمی‌ترسیدند و نسبت به زندگی احساس امنیت و اطمینان خاطر داشتند و چه‌بسا پرداختن به آسیب‌های روانی و روحی مشکل‌تر از آسیب‌های مادی است و جبران آن نیز به مراتب دشوارتر است. آموزه‌های عدالت ترمیمی بعد از شناسایی آسیب‌های (مادی و معنوی) بزه‌دیده، پذیرفته است که وی برای اعاده حس قدرت شخصی خود نیازمند اعطای اختیار و عملکرد پیرامون سرنوشت جرم و پاسخ‌گویی به وی می‌باشد و اعطای این امر، مستلزم مشارکت بیشتر بزه‌دیده در فرایند تحقق عدالت است. برای تحقق این هدف مهم

۱. دولت انتقالی عبارت است از: دولتی که بعد از برکناری دولت سرکوب‌گر یا ناقض حقوق بشر و بشردوستانه برای اجرای عدالت و گذار به دموکراسی و صلح پایدار هدایت جامعه انتقالی را برعهده می‌گیرد (ذاکریان، ۱۳۹۲: ۲۲۴).

فرایند عدالت ترمیمی از طریق سازوکارهای غیررسمی به آسیب‌شناسی، جبران خسارت و حمایت‌های خاص بزهدیدگان پرداخته است.

۱ - فرایند حمایتی عدالت ترمیمی با محوریت بزهدیدگان در جامعه انتقالی

واژه بزهدیده^۱ یا قربانی شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، آسیب، زیان و مورد آزار قرار گرفته است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). همچنین با توجه به ماده یک فصل الف و ماده ۱۸ فصل ب، اعلامیه اصول بنیادین عدالت برای بزهدیدگان و بزهدیدگان سوءاستفاده از قدرت قطعنامه ۴۰/۳۴ (۱۹۸۵) مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بزهدیده بدین نحو تعریف می‌شود: "بزهدیده یا بزهدیدگان، اشخاصی هستند که از گذر فعل یا ترک فعل‌های نقض‌کننده قوانین جزایی داخلی یا نقض‌کننده هنجارهای شناخته شده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا اقتصادی یا آسیب اساسی به حق‌های بنیادی خود دچار شده‌اند." به نظر می‌رسد در این تعریف، مجمع عمومی سعی کرده است هم بزهدیده را از منظر داخلی در نظر بگیرد و معیار تخلف از هنجارهای جزایی داخلی را ملاک قرار داده و هم بزهدیده را از منظر بین‌المللی مورد توجه قرار دهد و بدین منظور معیار تخلف از هنجارهای حقوق بشری بین‌المللی مدنظر قرار گیرد. بنابراین در این تعریف بزهدیده از نظر داخلی و بین‌المللی تعریف شده و معیار تعریف بین‌المللی، هنجارهای بین‌الملل حقوق بشری است که سنگ زیرین تعاریف جرایم بین‌المللی‌اند. از این رو در جوامع انتقالی، بزهدیده شخصی است که به دلیل فعل و ترک فعل نقض‌کننده هنجارهای حقوق بشری بین‌المللی و داخلی آسیب‌دیده است؛ این تعریف شامل افرادی دیگری نیز می‌شود که به شکل غیر مستقیم به دلیل کمک به بزهدیده اصلی؛ خود نیز صدمه می‌بینند همانند خانواده‌ها و بستگان بزهدیده مستقیم (Declaration of Basic Principles of Justice, 1985, para 2).

این مسئله از آن نظر حائز اهمیت است که در جوامع انتقالی به دلیل گستره خشونت‌های وارده به بزهدیدگان مستقیم و غیر مستقیم آمار گسترده‌ای از قربانیان جرایم بین‌المللی به چشم می‌خورند و باید برای نه‌تنها قربانیان، بلکه کل جامعه تدابیر لازم در نظر گرفته شود. طبق رویه جوامع انتقالی، در این جوامع نخستین قدم برای التیام دردهای بزهدیدگان، توسل به عدالت کیفری و مجازات مرتکبان و عاملان اصلی جرایم شدید حقوق بشری بوده و توجه به نیازهای شخصی و انتظارات بزهدیدگان کم‌رنگ است، زیرا محوریت اجرای عدالت کیفری، شخص بزهدیده و هنجارشکنی وی می‌باشد تا جبران خسارت‌های وارده بر قربانیان و مشارکت آن‌ها در تعیین سرنوشت برخورد با جرایم بین‌المللی.

1. Victim بزهدیده یا قربانی

از این رو دولت انتقالی در مقام دفاع از هنجارها و اعاده نظم عمومی، در مقابل بزه‌کار قرار می‌گیرد و با مجازات او، گویی به هدف خود نائل می‌شود.^۱ در صورتی که در جوامع انتقالی بازسازی و اعاده وضعیت جامعه به پیش از شرایط کشمکش، از جمله رسالت‌های مهم دولت انتقالی به منظور رسیدن به صلح پایدار و حاکمیت قانون است. از این رو توجه به وضعیت‌های جسمی، روحی و روانی، مالی و اجتماعی شهروندان به ویژه بازماندگان و بزه‌دیدگان یکی از ابعاد این بازسازی در طیف وسیع می‌باشد که از منظر دولت قابل تأمل و برنامه‌ریزی است.

توجه به بزه‌دیده و مشارکت او در فرایند عدالت (کیفری، ترمیمی) با بینش جدید بزه‌دیده‌شناسی و توجه به خواست و انتظارات وی بیش از نیم قرن می‌باشد که در سیاست جنایی داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. در سطح بین‌الملل نیز با الهام از آن بینش، نهادهای بین‌المللی متعددی توجه خود را معطوف عنایت به بزه‌دیدگان و قربانیان خشونت‌های ضدبشری نموده‌اند. قطعنامه‌های متعدد مورد استناد این نوشتار گویای تدابیری جهت حمایت از بزه‌دیدگان در فرایند عدالت می‌باشد. این مستندات گواه این مطلب است که بزه‌دیده یا قربانی به عنوان یک طرف جرم می‌تواند به بازسازی و احیاء روابط از هم گسیخته حاصل از جرم سهم بزرگی داشته باشد، مشروط بر آنکه خود نیز زیر چتر حمایت‌های خاص قرار گیرد تا دوباره لقب بزه‌دیده ژانوی وی را از جامعه دور و منزوی نگرداند.

۱-۱- حمایت‌های خاص عدالت ترمیمی از بزه‌دیدگان

آموزه‌های عدالت ترمیمی با محوریت بزه‌دیدگان از طریق مشارکت مستقیم بزه‌دیده و بزه‌کار و ایجاد زمینه برای توافق آن‌ها به منظور چگونگی جبران خسارت این مسئله را مدنظر دارد که بزه‌کار به لحاظ جایگاه و قدرت، هم‌تراز با بزه‌دیده نیست، از این رو این عدم توازن ممکن است مانع تحقق عدالت شود؛ بنابراین تمرکز بر حمایت‌های خاص بزه‌دیدگان برای هم‌ترازی آنان با بزه‌کاران محور توجه در فرایند بوده است (سبحانی، ۱۳۹۳: ۱۳۱). حمایت‌هایی که بلافاصله بعد از پایان درگیری و تحقق جرایم شدید حقوق بشری در جوامع انتقالی نسبت به بزه‌دیده در نظر گرفته می‌شود، شامل

۱. در موارد نقض فاحش حقوق بشر بین‌المللی و نقض جدی قوانین بین‌الملل بشردوستانه و قرار گرفتن این جنایات تحت قوانین بین‌المللی، دولت‌ها وظیفه دارند که به منظور بررسی و در صورت احراز شواهد کافی دادستان اقدام کرده، افرادی را که مسئول نقض باشند، در صورتی که مجرم شناخته شوند، مجازات کنند. علاوه بر این، دولت‌ها باید مطابق با قوانین بین‌المللی با یکدیگر همکاری کرده و با ارگان‌های قضایی بین‌المللی صالح در مورد تحقیق و تعقیب این موارد نقض، کمک نمایند.

Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Right Law and Serious Violations of International Humanitarian Law, 2005, Para. 4.

رعایت احترام و منزلت بزه‌دیده در جامعه انتقالی است. احترام و کرامت انسانی یکی از حقوق بنیادین بشر به‌شمار می‌رود که بر پایه آن با انسان باید گذشته از رنگ، نژاد، دین، ملیت، باورهای سیاسی و ایدئولوژی، با احترام و رعایت شأن و منزلت انسانی او رفتار کرد. بزه‌دیده از این امر مستثنا نیست (Center for International Crime Prevention, 1999: 3). فرایند عدالت ترمیمی نیز براساس همین اصل بنیان نهاده شده است. بنابراین هر بزه‌دیده به‌دلایلی مانند سن و جنس، قرار گرفتن در گروه‌های اقلیت و ... اگر در آستانه آسیب‌پذیری باشد، باید مورد احترام و توجه بیشتری قرار گیرد و رفتار همه کسانی که با وی در ارتباط‌اند، باید محترمانه، دل‌سوزانه، بی‌طرفانه و همراه با هم‌دردی و رازداری باشد (Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programs in Criminal, 2002, art. 18).

از این رو عدالت ترمیمی با احترام و حمایت از جایگاه و منزلت فراموش‌شده بزه‌دیدگان جامعه انتقالی زمینه‌های حضور و مشارکت آنان را فراهم می‌کند. ناگفته نماند بی‌تردید این حمایت‌ها تحت تأثیر چند وضعیت در جامعه انتقالی قرار می‌گیرند. نخست، نوع جرایم ارتكابی و گستردگی ارتكاب آنکه سبب می‌شود هدف از جبران خسارت بزه‌دیدگان شامل جامعه محلی یا فراتر از آن شود و طیف وسیعی را مدنظر قرار دهد. دوم؛ فرهنگ محلی جامعه انتقالی است که در میزان حمایت‌های درخواستی از طرف بزه‌دیدگان مؤثر است. همان‌گونه که شدیدترین جرایم علیه بشریت در جامعه انتقالی اوگاندا (تجاوز جنسی، ضرب و شتم، قتل و ...) و فرهنگ مردان بومی آنجا مبتنی بر انسجام دوباره جامعه محلی و تفکر استفاده از شیوه‌های مذهبی و سنتی برای بخشش و بازگشت مرتکبانی را فراهم کرد که اغلب سربازان گزینش شده از خانواده‌های بزه‌دیدگان بودند (Litigo, Ojera, 2008: 102-111). سوم، قدرت امنیتی دولت انتقالی برای حمایت و حفاظت از بزه‌دیدگان و بستگان وی در جامعه انتقالی از دیگر عوامل تأثیرگذارتر می‌باشد (Hayner, 2011: 283). از جمله حمایت‌های دیگر بزه‌دیده در فرایند عدالت ترمیمی، آگاه‌سازی یا اطلاع‌رسانی بزه‌دیده برای پاسخ‌گویی به نیازهای اوست. آگاه‌سازی و آموزش بزه‌دیده برای مشارکت فعال و اثربخش به‌منظور احقاق حق و نظارت وی بر روند برگزاری فرایند اثرگذار است، از جمله این حقوق: داوطلبانه بودن مشارکت بزه‌دیده در فرایند عدالت ترمیمی بدون اجبار و تردید، حق شنیده شدن، بزه‌دیده باید بتواند با امنیت و اطمینان کامل با سازوکاری که تسهیل‌کننده فراهم کرده، تمام رنج‌های ناشی از ارتكاب جرایم و فجایع انسانی رخ داده را بازگو کند و تأثیرات ارتكاب جرایم بر زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی خود را به گوش جامعه مرتکبان برساند و در نهایت امر حق برخورداری از مشاوران حقوقی و کسانی که آشنایی کامل به حقوق بزه‌دیده و فرایند تحقق عدالت دارد و در صورت لزوم از مترجم برای بیان مطالب بهره‌مند شود (General Assembly, 2005, para. 24). این امور

از جمله اموری است که نه تنها تأمین‌کننده آزادی بیان برای بزه‌دیده است، بلکه تأمین‌کننده آزادی بعد از بیان در فرایند عدالت ترمیمی می‌باشد. بنابراین بزه‌دیده به دلیل مشارکت نباید بیم داشته باشد که در آینده ممکن است از طرف مرتکبان، دوباره مورد تعرض قرار گیرد. حفظ این امنیت برعهده دولت انتقالی است که از طریق سازوکارهای غیررسمی و غیرقضایی امکان‌پذیر می‌باشد.

۲- جبران خسارت بزه‌دیدگان فرایند عدالت ترمیمی در جامعه انتقالی

نخستین تعهد دولت‌ها در قبال اشخاص، اجرای قواعد حقوق بشری است که برخی از آنان قواعد آمره بین‌المللی و تخلف‌ناپذیر می‌باشد و در صورت نقض تعهدات حقوق بشری دولت در مقابل افراد بشر متعهد به جبران خسارت است.^۱ از این رو دولت‌ها در هر اقدام حاکمیتی همواره باید مراقب باشند که اصل اصیل حاکمیت قانون و حقوق بشر را نقض نکنند. زیرا حاکمیت متضمن تعهدات ایجابی برای دولت است، بدین معنی که حاکمیت به مثابه مسئولیت هم در قبال جامعه بین‌المللی و هم در قبال شهروندان خود دولت می‌باشد. از این رو حاکمیت تنها ابزاری برای حمایت از دولت در برابر دولت‌های خارجی نیست، بلکه وسیله و روشی است برای ایجاد مسئولیت به دلیل عدم حمایت از شهروندان و اجرای قواعد حقوق بشری در چارچوب یک کشور، این طرز تلقی جدید از حاکمیت، حضور هرچه بیشتر ارزش‌های بنیادین بشری و اخلاقی در نظام حقوق بین‌المللی را نشان می‌دهد (محبی، ۱۳۹۲: ۱۲۳-۱۲۴) که به طور مکرر مورد تأیید مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفته است (the Resolution on the Responsibility to Protect, 2009, Para, 138.139).

در صورت طرح مسئولیت دولت انتقالی، اصل "حق بر جبران خسارت" از جمله حقوق بزه‌دیدگان است که برعهده دولت مسئول می‌باشد. این حق در سطح بین‌الملل با تحول و تجلی بینش حقوق بشر و حمایت‌های خاص از افراد در اسناد بین‌المللی جای خود را در عملکرد دولت‌ها باز کرد، چنانچه بعد از جنگ خلیج فارس، شورای امنیت، کمیسیونی را تشکیل داد که مأمور بررسی دادخواست‌هایی پیرامون جبران خسارت‌های ناشی از حمله و اشغال کویت توسط عراق و تعیین میزان غرامت به بزه‌دیدگان بود (شورای امنیت، ۱۹۹۱، قطعنامه ۶۸۷). اسناد حقوق بشری و بشردوستانه دیگری مانند: ماده ۸ اعلامیه حقوق بشر و ماده ۲ (۳) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ همچنین ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰ و ماده ۱۰ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر

۱. قبل از اعلامیه حقوق بشر، دیدگاه غالب در حقوق بین‌الملل در مورد جرایم انجام شده توسط يك دولت در برابر اتباع خود در اصل يك موضوع داخلی بوده و جرایم مرتکب شده دولت علیه اتباع دولت دیگر می‌تواند منجر به ادعای غرامت شده و تنها دولت‌ها می‌توانند پرداخت غرامت را در مقابل یکدیگر ادعا کنند.

(Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008: 5)

بند ۲ ماده ۲۱ منشور آمریکایی حقوق بشر، حق بزه‌دیدگان بر دریافت غرامت در صورت نقض حقوق را به رسمیت شناختند و کنوانسیون‌های خاص مانند کنوانسیون منع شکنجه در ماده ۱۴ و کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض نژادی در ماده ۶ و کنوانسیون حقوق کودکان در ماده ۳۹ اشکال گوناگون پرداخت غرامت و خسارت را از طرف دولت‌ها بیان کرده‌اند. با تصویب اعلامیه اصول اساسی عدالت مربوط بزه‌دیدگان سوءاستفاده از قدرت در سال ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گام جدیدی به سوی حقوق بزه‌دیدگان در سطح بین‌المللی برداشته شد و این اعلامیه، تصویری کلی از حقوق بزه‌دیدگان ارائه کرد: حق شکایت، حق کرامت انسانی، اعاده حیثیت، استرداد اموال و دریافت غرامت مساعدت پزشکی، روان‌شناسان و اجتماعی، ترسیم نمود (نجفی ابرندآبادی، دیباچه در، هنریک کاپیتن، ۱۳۸۴: ۴/۳).

به عقیده برخی حقوق‌دانان، اعلامیه ۱۹۸۵ مجمع عمومی، نخستین سندی است که مفهوم حق شخصی بر دریافت غرامت و خسارت را وارد حقوق بین‌الملل نموده است (والین لوك، ترجمه حبیب‌زاده، جعفری، ۱۳۸۵: ۴۲). در نهایت سندی که به طور خاص به حق بر جبران خسارت بزه‌دیدگان پرداخته است. «اصول بنیادین و دستورالعمل حق بر جبران خسارت و دریافت غرامت بزه‌دیدگان تخلف‌های سنگین حقوق بشری و بشردوستانه» مصوب مجمع عمومی ملل متحد در سال ۲۰۰۵ می‌باشد. به موجب این سند، تعهد به اتخاذ موازین قانونی و اجرایی مناسب به منظور جلوگیری از ارتکاب مجدد تخلف، تعهد به تحقیق و تمحص از تخلف‌های ارتكابی و در صورت لزوم، اقدام علیه اشخاصی که طبق حقوق بین‌الملل و یا حقوق داخلی مسئول هستند. همچنین تضمین دسترسی برابر بزه‌دیدگان به سازوکارهای اجرای عدالت و ارائه جبران خسارت مؤثر به بزه‌دیدگان، از جمله تعهداتی هستند که جزئی از تعهد به تضمین و احترام به حقوق بشر و حقوق بشردوستانه دولت‌ها هستند (General Assembly, 2005, para. 3).

با توجه به دو اصل مزبور و اجرای آن در جامعه انتقالی می‌توان به این نکته رسید که اجرای عدالت از دید بزه‌دیدگان فجایع حقوق بشری، به معنی امکان دسترسی برابر به سازوکارهای جبران خسارت طبق قواعد داخلی و بین‌المللی است. در این دیدگاه، بزه‌دیدگان به فکر منافع فردی از دست رفته و جبران خسارت‌های وارده به خود می‌باشد، زیرا از این طریق میزان توانمندی بزه‌دیده در جامعه برای ادامه زندگی فردی و اجتماعی تأمین می‌شود. حال آنکه از دید دولت انتقالی، اجرای عدالت به معنی جبران خسارت جمعی در جامعه است و بدین منظور دولت انتقالی، اجرای عدالت کیفری را کافی می‌داند. در هر صورت بهتر است توجه داشت که مرتکبان جوامع انتقالی اندک نبوده و تعداد آنان حتی به میزان بزه‌دیدگان جامعه انتقالی است و اجرای عدالت کیفری برای همگان میسر نمی‌باشد. از این رو به نظر می‌رسد بهتر است با توجه به جایگاه و نقش مرتکبان، از عدالت کیفری در رابطه با بزه‌کاران درجه یک بهره جست و برای اجرای عدالت در رابطه با مرتکبان و بزه‌کاران درجه ۲ و ۳، از سازوکارهای جبران خسارت بزه‌دیدگان، بازپروری آنان و همچنین بازپذیری مرتکبان برای

هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بر پایه فرایند عدالت ترمیمی استفاده کرد. تعهد به اجرای عدالت از هر دو طریق (کیفری، ترمیمی) در دوره گذار برعهده دولت انتقالی است، هرچند اگر عامل زیان دولت پیشین بوده و با ارتکاب جرایم بین‌المللی، حقوق بشر را نقض کرده است. با این وجود دولت انتقالی با جانشینی بر دولت پیشین، جانشین تعهدات آن دولت در قبال بزه‌دیده گان نیز شده است. بنابراین بحث جبران خسارت‌های بزه‌دیدگان می‌تواند یکی از اهداف درازمدت دولت انتقالی به‌شمار آید و برای حصول به آن، بهتر است در چارچوب فرایند عدالت ترمیمی از طریق سازوکارهای متناسب همچون سازوکارهای غیرقضایی و غیررسمی اقدام کند.

۲-۱- سازوکارهای غیرقضایی عدالت ترمیمی برای جبران خسارت بزه‌دیدگان

کمیسیون حقیقت‌یاب،^۱ نهاد غیررسمی به‌منظور کشف حقایق دوران خشونت در جوامع انتقالی است. هیئت‌هایی مرکب از متخصصان امور پلیسی، حقوقی، قضایی، مشاور، مددکار اجتماعی هستند که از طریق ملی یا بین‌المللی و یا از طریق سازمان‌های غیردولتی ایجاد شده‌اند و بعد از بررسی‌های لازم جهت کشف حقایق دوران خشونت، گزارش نهایی خود را به مرجع ایجادکننده ارائه می‌دهند (دلوری، ۱۳۸۸: ۱۵۳). با توجه به اهداف ذکر شده در اساسنامه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، می‌توان عملکرد آن‌ها را به دو قسم تقسیم کرد: برخی کمیسیون‌ها به جمع‌آوری اطلاعات و شواهد برای تشخیص مجرمان و متخلفان و تلاش برای تشکیل پرونده قضایی علیه آن‌ها می‌پردازند که این هدف کمیسیون‌های حقیقت‌یاب نوعی کمک به اجرای عدالت کیفری و جلوگیری از بی‌کیفرمانی مجرمان بین‌المللی است، همانند کمیسیون حقیقت‌یاب بولیوی، گواتمالا و چاد (Hayner, op.cit: 32-35).

دسته دوم از کمیسیون‌های حقیقت‌یاب به‌منظور زمینه‌سازی برای تفاهم، بخشش و آشتی میان طرف‌های درگیر و سرانجام کمک به بازسازی و همبستگی اجتماعی و تأمین خسارت‌های مادی و معنوی بزه‌دیدگان پس از ختم منازعات ایجاد می‌شوند. هدف کمیسیون‌های حقیقت‌یاب مذکور، کمک به اجرای فرایند عدالت ترمیمی برای اصلاح و بازسازی روابط اجتماعی است، همانند کمیسیون‌های حقیقت‌یاب سیرالئون، تیمور شرقی و آفریقای جنوبی (Hayner, op.cit: 35.37). در چنین رویکردی، کمیسیون‌های حقیقت‌یاب بر نیازهای بزه‌دیدگان و جامعه انتقالی تأکید دارند. برای بزه‌دیدگان، شهود و عاملان جرایم بین‌المللی فرصت بازگویی خاطرات‌شان را به‌منظور کمک به ایجاد یک سابقه تاریخی فراهم می‌آورند. کمیسیون‌ها به نیاز اجتماعی برای دانستن آنچه که سبب خشونت شده و اینکه خشونت‌ها چگونه ارتکاب یافته‌اند، چه کسی مرتکب آن‌ها شده است، این حوادث چه

1. Truth Commission

نتایجی را به دنبال داشته‌اند، پاسخ می‌گویند. با دریافت اطلاعات مزبور، کمیسیون‌ها در گزارش نهایی خود با ارائه پیشنهادهای مبنی بر جبران خسارت از بزهدیدگان و اصلاحات ساختاری و قانونی لازم می‌توانند نقش بازدارندگی در تداوم جنگ و خشونت و جرایم ارتكابی داشته باشند. همچنین ترمیم روابط بین بزهدیدگان و مرتکبان را فراهم کنند (Macrothink Institute, 2011: 165). بیشتر کمیسیون‌های حقیقت‌یاب، پیشنهاد تدوین برنامه جبران خسارت را به دولت‌ها ارائه داده‌اند. هر چند اگر در جوامع انتقالی به دلیل کمبود منابع مالی، محدودیت‌هایی به منظور اجرایی شدن این پیشنهادات دولت انتقالی را محکوم به بی‌توجهی و کم‌کاری کرده است، اما در برخی جوامع انتقالی همچون شیلی و مراکش برنامه‌های جبران خسارت به نحو جوامعی مورد عمل قرار گرفت. در شیلی یک برنامه جبران خسارت در نتیجه پیشنهاد نخستین کمیسیون حقیقت‌یاب این کشور اجرا شد که در نتیجه آن، خانواده‌های بزهدیدگانی که در دوران حاکمیت رژیم گذشته ناپدید شده بودند، مشمول دریافت غرامت شدند و در کمیسیون حقیقت‌یاب دوم پیشنهاد کرد که برنامه جبران خسارت از سوی دولت به بزهدیدگان شکنجه نیز تسری یابد، در نتیجه این دسته از بزهدیدگان هم مشمول دریافت غرامت شدند (Macrothink Institute, 2011: 167-168).

سازوکار دیگری که دولت انتقالی می‌تواند بر پایه آن زمینه‌های اجرای فرایند عدالت ترمیمی را فراهم آورد، اجرای عدالت به شیوه سنتی است. دولت انتقالی اگر بتواند با توانمندسازی جامعه مدنی و مشارکت شهروندان برای تحقق عدالت انتقالی، دوره گذار را سپری کند، شاید بتواند اطمینان بیشتری برای رسیدن به مقصود و اهداف درازمدت خود داشته باشد. حضور و مشارکت رهبران سنتی یا بومی و مذهبی یکی از راه‌هایی است که در جوامع درگیر، نویدبخش سازش و مصالحه می‌باشد. آنان با سنت و عقاید، باورهای عمیق مردمی را ترغیب و تشویق می‌کنند تا در مراسم خاص حضور یافته و با مشارکت داوطلبانه خود تشریفات بومی، مذهبی را به جا آورند و در نتیجه، سایه مصالحه و سازش را بر روابط اجتماعی پهن کنند و سبب جبران خسارت‌های مادی و معنوی بزهدیدگان شود. مصداق بارز آن جامعه در حال گذار اوگانندی شمالی است (Litigo, Ojera, op.cit: 102-111). در این کشور در حال گذار بعد از گذشت بیست سال از شروع آخرین جنگ داخلی و ارتکاب جرایم شدید حقوق بشری در قالب جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی، جامعه خسته از آلام و رنج‌های به جا مانده از درگیری‌های داخلی، خواهان توقف خشونت و آرامش بودند که در سال ۲۰۰۶ با انجام توافقاتی بین گروه‌های درگیر، صلح پیشنهادی آغاز شد. طرفین برای حل و فصل اختلافات، شیوه‌های اجرای عدالت سنتی را پیشنهاد کردند. رؤسای مذهبی و بومی با انجام مراسم مذهبی و بومی طرفین درگیر را ترغیب به مشارکت به منظور حل و فصل اختلافات نمودند و با توافق توانستند صلح و آرامش

را به جامعه انتقالی اوگاندا هدیه کنند. بر طبق آن شوراهای قبیله‌ای، روستا، جلسات جمعی بزرگان و ریش سفیدان مذهبی و بومی برای حل و فصل اختلافات و تعیین مجازات برای مرتکب تشکیل شد. احکام صادره توسط این شوراها می‌توانست شامل پرداخت جریمه و غرامت به بزه‌دیدگان، کار اجباری و عام‌المنفعه از طرف مرتکبان و یا مجازات فیزیکی باشد (Huyes, 2008: 20)

کشف حقیقت و به‌دنبال آن احراز مسئولیت مرتکبان و جبران خسارت‌ها از طرف ایشان، از نتایج اجرای عدالت به روش سنتی است که از طریق فرایند عدالت ترمیمی مستتر در این سازوکار حاصل می‌شود. حضور داوطلبانه عاملان جرایم، بزه‌دیدگان و شهود براساس اعتقادات و باورهای مردم منطقه در شیوه‌های اجرای عدالت سنتی در رابطه با اهمیت افشای حقیقت و در پی آن جبران خسارت بزه‌دیدگان حائز اهمیت بود. اعتقاد مردم کشورهای موزامبیک، اوگاندا و سیرالئون براساس این باور بود که اخفای جرایم ارتكابی از سوی مرتکب جرم موجب شد تا ارواح بزه‌دیدگان به انتقام از ایشان برخیزند و مانع آسایش آن‌ها شوند. این اعتقاد مرتکبان را به افشای داوطلبانه حقایق و تلاش به منظور جبران خسارت و جلب رضایت بزه‌دیدگان ترغیب کرد (Huyes, 2008: 4.5.13). شیوه اجرای عدالت سنتی به دلیل استقلال رأی و تصمیم‌گیری مستقل از دولت و همچنین نحوه جبران خسارت که اغلب به شکل جمعی جامعه انتقالی را منتفع می‌گرداند و پرداخت آن را برعهده طایفه و خانواده مرتکب است تا شخص بزه‌کار، تصمیمات بزرگان و ریش سفیدان را در قالب اجرای عدالت سنتی آسان‌تر از تصمیمات دولتی عملیاتی می‌شود.

۳- چگونگی جبران خسارت بزه‌دیدگان در پرتو عدالت ترمیمی

چگونگی جبران خسارت‌های فردی در نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و نظام مسئولیت مدنی داخلی، به شکل ادعای فرد زیان‌دیده از فعل متخلفانه در محاکم قضایی بین‌المللی و داخلی صورت می‌پذیرد^۱ و به‌دنبال آن این محاکم برای جبران ضرر و زیان وارده، از راه‌کارهایی همچون برگرداندن وضعیت زیان‌دیده به پیش از ارتکاب فعل متخلفانه (اعاده وضعیت) استفاده می‌کند و در صورت غیرممکن بودن اعاده وضعیت سابق اشکال دیگر جبران خسارت، از جمله پرداخت

۱. شیوه جبران خسارت فردی اغلب به‌دنبال شکایات فردی بزه‌دیدگان در محاکم حقوقی داخلی است و سازوکارهای نظارتی بین‌المللی همچون دیوان اروپایی حقوق بشر و دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز به‌عنوان مکمل محاکم حقوقی داخلی در این زمینه عمل می‌کنند.

گرامت، بازپروری و جلب رضایت، بهره می‌گیرند. در این مقوله، وضعیت فرد زیان‌دیده مدنظر است و هدف از جبران خسارت، جبران وضعیت فردی زیان‌دیده می‌باشد.^۱

در جوامع انتقالی به دلیل آمار زیاد بزه‌دیدگان آسیب‌دیده از جرایم سازمان‌یافته و گسترده مجالی برای بزه‌دیدگان نمی‌گذارد تا بتوانند به شکل انفرادی با توسل به محاکم داخلی پیگیر جبران خسارت فردی شوند و از طرفی محاکم داخلی نیز توان و صلاحیت رسیدگی به تک‌تک ادعاهای بزه‌دیدگان را ندارند.^۲ بنابراین در این جوامع روش جبران خسارت‌های فردی پاسخ لازم را نمی‌دهد و بزه‌دیدگان باید به شکل جمعی، متقاضی اجرای جبران خسارت فردی خود باشند (The Institute of International Law, 2015, Art. 2).

زیرا این امر اهداف جبران خسارت را در جوامع انتقالی وسعت داده و می‌تواند شامل روش‌هایی باشد که به صورت معمول برای جبران خسارت‌های فردی از آن‌ها استفاده نمی‌شود. مانند بازپروری اجتماعی، تحقق آشتی و سازش بین گروه‌های درگیر یا ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و ... که بهتر است مورد عنایت دولت انتقالی قرار گیرد، زیرا لزوم جبران خسارت‌های جمعی ناشی از تأثیر توأمان خشونت و سرکوب و جنگ بر افراد و جامعه مستلزم تدابیر مقتضی می‌باشد. مسلم است که وجود یک جامعه سالم، پیش شرط ضروری برای تحقق حقوق اشخاص است. جبران خسارت‌های جمعی موجب بازپروری جامعه زخم‌خورده از جرایم گذشته می‌شود. این اقدام‌ها سبب می‌شود که بزه‌دیدگان، نه تنها به عنوان بزه‌دیده، بلکه به عنوان بخشی از شهروندان جامعه به رسمیت شناخته شده و به این ترتیب به نوعی اعاده وضعیت روحی و روانی سابق آن‌ها صورت پذیرد (Hayner, op.cit:23).

۳-۱- میزان جبران خسارت و نتایج حاصل از آن

به موجب نظام مسئولیت بین‌المللی، دولت‌ها باید میزان جبران خسارت بزه‌دیدگان و زیان‌دیدگان را به شکل کامل انجام دهند (De Griff: 2006:457). به این معنی که ضرر و زیان تا حدی با جبران خسارت هم‌پوشانی داشته باشد که موجب اعاده وضعیت زیان‌دیده به پیش از

۱. طبق ماده ۳۴ نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اشکال جبران خسارت به صورت ذیل بیان شده است: (جبران خسارت کامل، در برابر زیان ایجاد شده توسط عمل متخلفانه باید مطابق با مقررات این فصل، شکل اعاده وضعیت، پرداخت غرامت،

جلب رضایت و یا مرکب صورت پذیرد) (The International Law Commission, 2001, art. 34).

۲. نظام قضایی کشورها نه تنها ظرفیت رسیدگی به این حجم انبوه تخلف را ندارد، بلکه اصولاً برای رسیدگی به این تخلف‌ها تعبیه شده‌اند. شرایط قانونی که برای رسیدگی به تخلف در محاکم قضایی تدوین شده‌اند، در بسیاری موارد راه را برای جبران خسارت از بزه‌دیدگان تخلف‌های گسترده و سازمان‌یافته حقوق بشری می‌بندند، شرایط قانونی مانند اقامه دعوا در مهلت‌های مقرر قانونی و معرفی خواندگان دعوا موجب می‌شود که موانع قانونی همچون مرور زیان و عفو مانع از احقاق حقوق بزه‌دیدگان شوند (ژرودلاپرادل، ترجمه: هنجی، ۱۳۸۸: ۵۹۴).

ارتکاب تخلف شده باشد که گویا عمل متخلفانه ارتکاب نیافته است. مصادیق آن در جوامع انتقالی می‌تواند به شکل اعاده آزادی، بهره‌مندی از حقوق بشر، بازگشت به اقامتگاه سابق، بازگشت به شکل سابق و برگرداندن اموال گزینش شود. به کارگیری این شکل جبران خسارت به دلیل ماهیت جرایم حقوق بشری و گستردگی آن در جامعه انتقالی ناممکن به نظر می‌رسد. ناتوانی دستگاه قضایی دولت انتقالی در رسیدگی به درخواست‌های انبوه بزه‌دیدگان و کمبود منابع مالی دولت از جمله مشکلات رایج دولت‌های انتقالی است، از آنجایی که دولت انتقالی خود عامل زیان‌های وارده نبوده‌اند و تعهد به جبران خسارت‌ها، طبق نظام مسئولیت مدنی برعهده عامل زیان می‌باشد. التزام دولت انتقالی به اجرای دقیق نظام مسئولیت بین‌الملل به نظر کمی سخت‌گیرانه و به دور از انصاف است. درحالی که در جامعه انتقالی، این تعهد برعهده دولت انتقالی قرار گرفته است تا عهده‌دار اجرای عدالت انتقالی شود. از طرفی اگر دولت انتقالی در انجام آن تأخیر بورزد و یا کوتاهی کند، ممکن است در جوامع انتقالی، گذر زمان دسترسی بزه‌دیدگان مستقیم جرایم حقوق بشری به جبران خسارت‌ها را ناممکن گرداند و شاید نسل‌های آینده بزه‌دیدگان بتوانند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین با توجه به شرایط جامعه انتقالی، جبران خسارت کامل بزه‌دیدگان بعید به نظر می‌رسد و بهتر است خسارت به نحو مناسب و منصفانه پرداخت شود. به هر حال اصول بنیادین و دستورالعمل حق بر جبران خسارت و دریافت غرامت بزه‌دیدگان جرایم سنگین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه سازمان ملل متحد (۲۰۰۵) در مورد شکل جبران خسارت بزه‌دیدگان چنین بیان می‌کند: «با توجه به قوانین داخلی و قوانین بین‌المللی و در نظر گرفتن شرایط فردی بزه‌دیدگان نقض فاحش قوانین بین‌المللی حقوق بشر و نقض جدی قوانین بین‌المللی بشردوستانه می‌بایست به شکل مناسب و متناسب با شدت نقض و شرایط هر مورد، جبران کامل و مؤثر را ارائه دهند» (General Assembly, 2005, para. 18).

به نظر می‌رسد اصول بنیادین حق بر جبران خسارت دربرگیرنده يك (صلاحدید) است، به این معنی که اجازه تخطی از اصل (از بین بردن تمام عواقب عمل متخلفانه) را می‌دهد، در نتیجه این اصول، جبران خسارت منصفانه و کافی را جایگزین می‌کند و جبران خسارت با توجه به اوضاع و احوال جامعه انتقالی صورت خواهد گرفت (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008: 29). بنابراین دولت انتقالی با در نظر گرفتن تعداد زیاد بزه‌دیدگان و کمبود منابع مالی می‌تواند جبران خسارت کامل بزه‌دیدگان را نادیده بگیرد و به جبران خسارت مؤثر و منصفانه بسنده کند. از این رو مدنظر قراردادن غرامت منصفانه و کافی، مستلزم معیارهای خاص خود است و برای پرداخت غرامت منصفانه از سوی دولت انتقالی، بهتر است مسائلی همچون غرامت به چه بزه‌دیده‌ای تعلق گیرد، جواب داده

شود. مسلماً به بزهدیدگانی که بیشترین آسیب را دیده‌اند، میزان خسارت نمی‌تواند به صورت کامل و با توجه به شرایط فردی مشخص شود، از این رو توزیع جبران به شیوه‌ای عادلانه انجام می‌شود (Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008: 30). یعنی جبران خسارت باید بدون تبعیض در میان گروه‌ها و یا دسته‌های بزهدیده انجام پذیرد و افراد ذی‌نفع احساس کنند که همه چیز را به مقدار کافی دریافت کرده‌اند و بزهدیدگان با توزیع عادلانه غرامت بین آن‌ها به حس برابری و مساوات دست یابند که این خود دلیل بر تجدید اعتماد مدنی است. دیگر جلب رضایت و تضمین عدم تکرار جرایم از جمله صورهای دیگر جبران خسارت می‌باشد. طبق اصول بنیادین و دستورالعمل جبران خسارت بزهدیدگان سازمان ملل متحد (۲۰۰۵)، راه‌کارهایی به منظور عدم تکرار عمل متخلفانه تعبیه شده است. طبق اصل ۲۳، کنترل غیرنظامی مؤثر نیروهای نظامی و امنیتی، تقویت استقلال قوه قضاییه، محافظت از افراد از نظر حقوقی، پزشکی و بهداشت حرفه‌ای، ترویج مکانیسم‌هایی جهت جلوگیری و نظارت بر درگیری‌های اجتماعی و رفع آن‌ها و ...

بهره‌گیری از فرایند عدالت ترمیمی از طریق سازوکارهای غیرقضایی، برای جبران خسارت بزهدیدگان جامعه انتقالی به دلیل شناسایی بزهدیدگان و بیان نوع و میزان آسیب‌های وارده به آنان از زبان خود بزهدیدگان نه تنها حجم برنامه جبران خسارت دولت انتقالی مشخص می‌شود، بلکه به پرداخت منصفانه برحسب میزان و نوع آسیب‌های وارده کمک می‌کند. همچنین شیوه پرداخت خسارت بنا به اطلاعات دریافت شده‌ای است که بستگان بزهدیدگان در اختیار تسهیل‌کنندگان فرایند عدالت ترمیمی قرار می‌دهند و از طریق این فرایند مرتکبان شناسایی شده و خود آن‌ها مسئولیت پرداخت را برعهده می‌گیرند یا با مساعدت بستگان، طایفه و قبیله این مهم را به انجام می‌رسانند (در روش اجرای عدالت سنتی معمولاً خسارت به شکل جمعی پرداخت می‌شود) و در صورت عدم شناسایی مرتکبان یا در صورت شناسایی مرتکب و عدم توانایی وی برای پرداخت خسارت، معمولاً دولت انتقالی برنامه‌ریزی مناسبی به منظور پرداخت انجام خواهد داد. در هر صورت نتیجه حاصل از این فرایند در وهله نخست پرداخت خسارت و جلب رضایت بزهدیدگان است و بزهدیدگان با جبران خسارت اعم از مادی و معنوی به نوعی در جامعه انتقالی اعاده حیثیت شده‌اند و می‌توانند به شکل برابر در کنار سایر شهروندان مسالمت‌آمیز ادامه حیات دهند.

نتیجه‌گیری

هم‌سو بودن اهداف جبران خسارت از طریق فرایند عدالت ترمیمی به وسیله سازوکارهای غیرقضایی و اهداف برنامه‌ریزی شده جبران خسارت توسط دولت انتقالی به منظور ترمیم روابط

اجتماعی بین شهروندان و ارتقای سطح اعتماد عمومی آنان نسبت به نهادهای دولتی و دیگر شهروندان جامعه انتقالی قابل تأمل است. زیرا شناسایی بزه‌دیدگان و آسیب‌های وارده به آن‌ها عامل مؤثر جهت تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی پیرامون جبران خسارت وارده به بزه‌دیدگان می‌باشد. به این دلیل که بزه‌دیدگان، شهروندانی هستند که دارنده حقوق برابر با سایر شهروندان و جبران خسارت وارده به آن‌ها به منظور حفاظت از یکپارچگی عمومی منافع شهروندان و حفظ برابری و مساوات بین آنان است. شناسایی بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی منوط به وجود اطلاعاتی جامع در رابطه با آنان و نوع جرایم ارتكابی می‌باشد. بنابراین کشف حقایق جرایم ارتكابی، پیش‌شرط کارایی هر گونه سازوکار جبران خسارت است. زیرا کشف حقایق و پذیرش مسئولیت بابت جرایم ارتكابی و سپس اقدام جهت جبران خسارت، بزه‌دیدگان را از نظر روانی آماده پذیرش غرامت می‌کند. این نتایج را می‌توان به راحتی از گذر اجرای عدالت ترمیمی به دست آورد. برای نمونه آنچه که در آرژانتین اتفاق افتاد عدم پذیرش غرامت پرداختی توسط خانواده‌های برخی بزه‌دیدگان بود. دلیل آن‌ها این بود که غرامت را به عنوان حق‌السکوتی در برابر عدم کشف حقایق و سکوت در این جرایم می‌دانستند (Office of The United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008: 1-14).

مشارکت فعال بزه‌دیدگان در فرایند يك برنامه جبران خسارت مؤثر می‌باشد. زیرا در برخی جوامع انتقالی ممکن است تعداد زیادی از بزه‌دیدگان به ثبت نرسیده باشد، به خصوص در جوامعی که خشونت‌ها علیه اقوام خاص ارتكاب یافته است، احتمال دارد بزه‌دیدگان به دلیل عدم اعتماد به ساختار حکومتی جرایم ارتكابی علیه خود را گزارش ندهند. معمولاً سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مردمی همانند بزرگان و رؤسای اقوام، شانس بیشتری در جذب و مشارکت بزه‌دیدگان دارند، زیرا از بطن مردم‌اند و می‌توانند ارتباط نزدیکی با بزه‌دیدگان ایجاد کنند و اطلاعات جامعی در مورد اسامی و تعداد آنان جمع‌آوری نمایند. این روند از طریق روش‌های اجرای عدالت سنتی در جوامع انتقالی قابل حصول می‌باشد.

مشارکت بزه‌دیدگان در تعیین نوع و شکل جبران خسارت از اهمیت زیادی برخوردار است، اگر بزه‌دیدگان خود بخشی از فرایند تصمیم‌گیری جهت برنامه جبران خسارت باشند، احتمال تطابق بین اهداف جبران خسارت با انتظارات بزه‌دیدگان بیشتر خواهد شد. این مشارکت و توافق بر سر چگونگی جبران خسارت از جمله نتایج حاصله از فرایند عدالت ترمیمی می‌باشد. توجه و برنامه‌ریزی دولت انتقالی به منظور جبران خسارت به معنی کمک به بزه‌دیدگان برای بهبود کامل وضعیت مالی، روحی، روانی و حیثیتی است و بازپروری بزه‌دیدگان از این طریق موجب ارتقای سطح کیفیت زندگی شهروندان مصیبت‌زده درگیری می‌شود. جبران خسارت پل ارتباطی بین جهان خواسته‌های درون

بزه‌دیدگان و واکنش بیرونی جامعه انتقالی است و میزان درک جامعه از خسارت‌های وارده به بزه‌دیدگان می‌باشد. بزه‌دیدگان منتظر واکنش صحیح جامعه نسبت به صدماتی است که متحمل شده‌اند، هستند و جبران خسارت آن‌ها می‌تواند پیامد درک جامعه و نیاز آن را نسبت به جلب رضایت بزه‌دیدگان به‌عنوان شهروند جامعه انتقالی باشد. این تعامل متقابل، بستر مناسبی جهت اعتماد و اطمینان متقابل برای بازسازی و ترمیم جامعه تخریب‌شده و حصول به اهداف بلندمدت جامعه انتقالی است. از این‌رو دولت انتقالی مجری عدالت توزیعی می‌باشد و برای توزیع حقوق برابر بین شهروندان، ابتدا باید با جبران خسارت بزه‌دیدگان وضعیت شهروندان را یکسان‌سازی کرده و سپس با استعانت از حاکمیت قانون، به تثبیت برابری و مساوات بپردازد. شایان ذکر است که هدف از پرداخت غرامت به‌وسیله دولت انتقالی، اعاده وضعیت بزه‌دیدگان به پیش از نقض نیست، بلکه توجه خاص دولت انتقالی به نقض حقوق برابر شهروندان و احترام به جایگاه بزه‌دیدگان به‌عنوان شهروند با حقوق برابر نسبت به دیگر شهروندان است. با این اوصاف پیاده‌سازی برنامه جبران خسارت بزه‌دیدگان در جوامع انتقالی ایجادکننده اعتماد بین بزه‌دیدگان و نهادهای دولتی و اعتماد افقی میان شهروندان جامعه انتقالی می‌باشد و در نهایت جبران خسارت بزه‌دیدگان نتیجه سازش، مصالحه و آشتی ملی در جامعه انتقالی است. دولت انتقالی با چنین رویکردی از طریق اجرای فرایند عدالت ترمیمی می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در جامعه انتقالی کمک کند و با بازسازی هنجارها ساختارهای متناسب با وضعیت و نیاز جامعه انتقالی، راه تحقق اهداف عدالت انتقالی را هموار سازد.

منابع

فارسی

- دلاوری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، "نقش کمیسیون‌های حقیقت‌یاب در حل منازعات سیاسی و بین‌المللی"، *مجله حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، ش بیست و شش، صفحات ۱۵۲ تا ۱۸۰*.
- ذاکریان، مهدی و سیدرضی، عمادی (۱۳۹۲)، "سازوکار و کارکرد دولت انتقالی؛ تحلیلی مهم در حقوق بین‌الملل"، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال اول، شماره اول، صفحات ۲۵۷-۲۲۱*.
- رایجیان‌اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- رمضان‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۲)، "تأسیس شعب فوق‌العاده سنگال برای محاکمه حسین هابره: یک گام به جلو در راستای مبارزه با جنایات بین‌المللی، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره چهارم، شماره دو، صفحات ۸۹ تا ۱۱۷.
- سبحانی، مهین (۱۳۹۳)، "ارزیابی سازوکارهای سنتی اجرای عدالت در جوامع انتقالی" *مجله پژوهش حقوق کیفری، شماره پانزدهم، صفحات ۱۹ تا ۱۴۳*.
- سبحانی، مهین (۱۳۹۳)، "بازدارندگی حقوق بین‌الملل کیفری و تاثیر آن در جوامع انتقالی" *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره اول، صفحات ۱۱۹ تا ۱۴۳*.
- شیری، عباس (۱۳۹۶)، *عدالت ترمیمی، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول*.
- غلامی، حسین و رستمی‌غازانی، امید (۱۳۹۲)، "زمینه‌های عدالت ترمیمی در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی"، *پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره چهارم، صفحات ۳۳-۶۴*.
- کریانگ، ساک و شیایزری، کیتی (۱۳۹۱)، *حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه: یوسفیان، بهنام؛ اسماعیلی، محمد، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)*.
- محبی، سعید (۱۳۹۲)، "دولت، خسروی که دیگر شیرین کار نیست"، *مجله مهرنامه، شماره سی‌ویکم، صفحات ۱۲۳-۱۲۴*.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، *عدالت ترمیمی در اسناد بین‌المللی، [دیباچه] در: هنریک کاپتین، جرم، بزه‌دیده، عدالت، ترجمه: سماواتی (پیروز)، انتشارات حقوقی خلیلیان*.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۳)، *عدالت ترمیمی، دیباچه در، برادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، چاپ نهم، تهران: انتشارات سمت*.
- والین، لوک (۱۳۸۵)، "بزه‌دیدگان و شهود در جنایات بین‌المللی از حق حمایت تا حق بیان"، ترجمه: توکل حبیب‌زاده و مجتبی جعفری، *مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی و چهارم، صفحات ۳۳-۵۶*.
- هوارد، زهر (۱۳۸۳)، *عدالت ترمیمی، ترجمه: حسین غلامی، تهران: انتشارات مجد*.

انگلیسی

- African Charter on Human and Peoples Right (1981) . . Available at: <http://www.African-court.org/en/index.php/documents-legal-instruments/basic-documents>

- American Convention on Human Right (1969), available at: [http://www.hrcr.org/docs/American convention/oash/html](http://www.hrcr.org/docs/American%20convention/oash/html).
- Articles on the Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts Adopted by the International Law Commission in 2001.UN Doc. A/CN.4/L.602.Rev.1,26July2001.
- Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Right Law and Serious Violations of International Humanitarian Law", General Assembly, Sixtieth Session, 2005, A/RES/60/147
- Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programs in Criminal Matters", the Economic and Social council, 2002/12.
- Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, Resolution of the General Assembly, 40/34/1985
- De Greiff, Pablo, 2006, **Hand book of Reparations**, Oxford University Press, First Published, New York.
- European Convention on the Compensation of Victim of Violence Crimes. 24/1983
- **Handbook on Justice for Victims on the Use and Application of the Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power**,1999, UN DDCCP. Center for International Crime Prevention, New York.
- Hayner, Priscilla.B,2011, **Unspeakable Truths, Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions**, Routledge, Second Edition, New York.
- Huyes, Luc,2008, "**Introduction, Tradition-Based Approaches in Peace Making Transitional Justice and Reconciliation Policies**", In Huyes, Luc, Salter, Mark, Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict, Learning from African Experience (IFDEA) Stockholm, Sweden.
- Igerja, Victor, Dias-Lambranca, Beatrice,2008, "**Restorative Justice and the Role of Magamba Spirits in Post-Civil war Grongasa**, Central Mozambique", Huyse, Lus, salter, mark, Traditional Justice and Reconciliation After Violent Conflict, Learning from African Experiences, International Institute for Democracy and Electoral Assistance, Stockholm, Sweden.
- International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.Available at: [http://www.ohchr.org/en/professional interest/pages/ccpr.aspx](http://www.ohchr.org/en/professional%20interest/pages/ccpr.aspx).
- Ligo, James. Ojera (2008), **Northern Uganda, Tradition-Based Practices in the Acholi Region**, Huyse, Lus, Salter, Mark, Traditional Justice and Reconciliation after Violent Conflict, Learning from African Experiences, (IifDEA) Stockholm, Sweden.
- Macrothink Institute,2011, "Restorative Justice in Transitional Sierra Leone" **Journal of Public Administration and Governance**, vol. 1, No 1.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Making Peace our own:2007, Victims' Perceptions of Accountability Reconciliation and Transitional Justice in Northern Uganda, United Nation.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, 2008, **Rule of Law Tools for Post-Conflict States: Reparations Programs**, New York and Genova.
- The European Convention on Human Rights, 1950.Available at: <http://www.hir.org/docs/ECHR50.html>.
- The Universal Declaration Human Rights, 1948, General Assembly, Available: <http://www.un.org/en/documents/udhr/history.shtml>.

- Universal Civil Jurisdiction With Regard To Reparation for International Crimes, the Institute of International Law, 30 August 2015.
- United Nation General Assembly, the Resolution on the Responsibility to Protect, 2009.
- <http://www.un.org/documents/ga/res/39/a39r049.htm>.
- <http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/CERD.aspx>.
- <http://www.ohchr.org/en/professionalinterest/pages/cec.aspx>
- <http://www.annesty.org/en/latest/news/2016/hissene-habre-verdict-landmark-decision-brings-justice-for-tens-of-thousands-of-victims>

